

غزل شماره ۱۶۸

کد اخت جان که شود کارِ دل تمام و نشد
بسوختیم در این آرزوی خام و نشد

به لاله گفت شبی میرِ مجلسِ تو شوم
شدم به رغبتِ خویش کمین غلام و نشد

پیام داد که خواهم نشست بارندان
بشد به رندی و دُردی کشیم نام و نشد

رواست در بر اگر می‌تپد کبوتر دل
که دید در ره خود تاب و پیچ دام و نشد

بدان هوس که به مستی بوسم آن لب لعل
چه خون که در دلم افتاد همچو جام و نشد

به کوی عشق مننه بی دلیل راه، قدم
که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد

فغان که در طلب کنج نامه مقصود
شدم خراب جهانی ز غم تمام و نشد

دینغ و درد که در جست و جوی کنج حضور
بسی شدم به کدایی بر کرام و نشد

هزار حیلہ برای نجات حافظ از سر فکر
در آن هوس که شود آن گار رام و نشد

تفسیر فال

راهی که انتخاب نموده‌اید، به وضوح یک مسیر نادرست و غیرمعقول است. این تصمیم نه تنها فاقد پایه و اساس منطقی است، بلکه بر مبنای هوی و هوس اتخاذ شده است. بهتر است با دقت بیشتری در مورد عواقب این راه فکر کنید و به سرعت اقدام به بازگشت نمایید، چرا که این مسیر چیزی جز ضرر و زیان برای شما به ارمغان نخواهد آورد. در واقع، شما نه تنها هیچ سودی از این انتخاب نمی‌برید، بلکه در عمل نیز هیچ‌کس وجود ندارد که

بخواهد در این مسیر دشوار به شما یاری رساند. همچنین شایسته است که به پیغام‌هایی که برایتان ارسال می‌شود توجه نکنید؛ زیرا هدف از ارسال این پیام‌ها فقط فریب شما و کشاندن‌تان به دام‌های ناخوشایند است. هوشمندانه‌تر آن خواهد بود که از دام‌های احتمالی پرهیز کنید و با تفکر عمیق‌تر نسبت به آینده خود تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ نمایید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)